



بیکاری در پیچ و خم آمار

امیر جعفرزاده

رسیده است. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی کل کشور نسبت به فصل مشابه در سال قبل (تابستان ۱۳۸۵) حاکی از کاهش درصدی این نرخ و افزایش ۰/۱ درصدی آن نسبت به بهار ۱۳۸۶ است. این گزارش حاکی است تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع، طبق تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند. همچنین تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در دوره مرجع فاقد کار، آماده برای کار و در جست‌وجوی کار باشند یا فاقد کار و آماده برای کار بوده ولی به دلیل آغاز به کار در آینده و یا انتظار بازگشت به شغل قبلی در جست‌وجوی کار نباشند،

برای بالا بردن دقت آمارگیری و نیز تسهیل بررسی روند تغییرات، در هر دوره آمارگیری ۵۰ درصد از خانوارهای فصل قبل نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرند. مرکز آمار به هیچ وجه قصد جانبداری از دولت و بزرگ جلوه دادن شاخص‌های مثبت را ندارد و در این کار کاملاً بی‌طرف عمل کرده و واقعیات را منعکس می‌کند.

وی با اشاره به ورود متولدين سال‌های اول دهه ۶۰ به بازار کار، تصریح کرد: مرکز آمار کنترل نرخ بیکاری در حدود ۱۰ درصد را برای سه سال آینده بسیار سخت پیش‌بینی کرده و نظرات خود را به دولت ارائه کرده است.

بر اساس نتایج این طرح، نرخ بیکاری کشور برای نخستین بار یک رقمی شده و به ۹/۹ درصد

ارایه آمار بیکاری در تابستان ۱۳۸۶ بحث‌های مختلفی را میان کارشناسان مختلف به وجود آورد. زیرا برای اولین بار در چند سال اخیر نرخ تک رقمی بیکاری از یک سازمان دولتی (مرکز آمار ایران) ارایه شده است. و همین مساله حساسیت‌های زیادی را نزد کارشناسان به وجود آورد. در خصوص اعلام نرخ بیکاری ۹/۹ درصد از سوی مرکز آمار ایران و تأیید وزارت کار، می‌توان به بررسی چند نکته پرداخت که در زیر تشریح می‌شود.

نحوه جمع‌آوری آمار

معاون طرح‌های آماری مرکز آمار: طی این آمارگیری در هر فصل به هزار خانوار که در برگیرنده ۱۸۰ هزار نفر است، مراجعه می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



بیکار محسوب می‌شوند.

به گفته‌ی زاهدیان، بررسی نرخ بیکاری نشان می‌دهد که ۹/۹ درصد از جمعیت فعال بیکار بوده‌اند. از اظهار نظر معاون طرح‌های آماری مرکز آمار ایران مشخص می‌شود که نرخ بیکاری ۹/۹ درصد در تابستان امسال صرفاً یک برآورد بوده است و نه آماری که از سرشماری نفوس و مسکن تهیه شده باشد. البته مهمترین ایراد وارد بر این برآورد، تعریف بیکاری است. طبق مطالب گفته شده توسط زاهدیان، یک فرد بالای ۱۰ ساله که یک ساعت در هفته کار می‌کند، شاغل محسوب می‌شود. آیا تا قبل از این هم تعریف بیکاری به همین صورت بود؟ یا این که حداقل مقدار ساعات کار برای شاغل محسوب شدن فرد، بیش از اینها و حدود ۱۵-۱۶ ساعت بوده است؟

بیکاری مفهوم ذهنی خود را نزد مردم دارد و نمی‌توان با تغییر تعریف آن، این مفهوم را تقلیل داد. آیا نزد مردم هم کسی که یک ساعت در هفته کار می‌کند، شاغل محسوب می‌شود؟ و دیگر این که با کار کردن حدود یک یا دو ساعت چه مقدار می‌توان درآمد داشت؟ کار کردن (البته نه از لحاظ آماری، بلکه به مفهوم یک معنای رواج یافته) یعنی داشتن درآمد مناسب برای تامین حداقل نیازهای زندگی. آیا کسی با ۱۰-۱۵ هزار تومان در ماه (یعنی حدود ۲ ساعت کار در هفته) می‌تواند این درآمد را داشته باشد؟ خوب است که مسوولان مرکز آمار ایران و وزارت کار به این سوال پاسخ بدهند که چرا و برحسب چه موازین علمی، کسی که یک ساعت در هفته کار

بیکاری مفهوم ذهنی خود را نزد مردم دارد و نمی‌توان با تغییر تعریف آن، این مفهوم را تقلیل داد

می‌کند را شاغل محسوب می‌کنند؟ آیا این کار صرفاً برای کاهش دادن نرخ بیکاری اعلام شده نیست؟

همه این سوالات، نگرانی‌ها و دغدغه‌های کارشناسان اقتصادی در خصوص اعلام این آمار بیکاری بود. زیرا خدشه‌دار شدن آمارها عواقب بدی را به همراه خواهد داشت بخصوص که موجب کاهش شفافیت و مانع انجام پروژه‌های تحقیقی در زمینه بازار کار خواهد شد.

تناقض آماری

مساله دیگری که در این خصوص باید بررسی شود، تناقض آمار منتشر شده اکونومیست با آمار مرکز آمار ایران می‌باشد که هر دو تقریباً در یک زمان اعلام شدند.

چند روز پس از اعلام مرکز آمار در حالی که بسیاری از کارشناسان معتقد بودند این آمار با آمارهای وزارت کار هم تناقض دارد، واحد اطلاعات اکونومیست در تازه‌ترین گزارش خود پیش‌بینی کرد که نرخ بیکاری ایران در سال جاری به ۱۲ درصد خواهد رسید. این واحد در گزارش ماه سپتامبر خود به بررسی وضعیت کار در ایران پرداخت و اعلام کرد که در سال گذشته نرخ بیکاری در ایران ۱۱/۶ درصد بوده است و این نرخ طی سال جاری معادل ۱۲ درصد و سال آینده برابر با ۱۲/۵ درصد خواهد بود.

در ادامه‌ی این گزارش آمده نیروی کار ایران که در سال گذشته معادل ۲۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر بوده با ۲/۸ درصد تغییر در سال جاری به ۲۵ میلیون نفر خواهد رسید و این رقم طی سال‌های ۸۷ و ۸۸ به ترتیب ۲/۷ و ۲/۶ درصد افزایش داشته و به ترتیب به ۲۵ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر و ۲۶ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر خواهد رسید. همچنین به موجب این گزارش پیش‌بینی شده که در سال‌های ۸۸ و ۸۹ نیز نرخ بیکاری روند صعودی خود را حفظ کرده و به ترتیب به ۱۲/۹ و ۱۳/۲ درصد برسد. در سال ۸۹ نیز نیروی کار ۲۷ میلیون نفری پیش‌بینی شده است و رقم ۲۷ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر و ۱۴/۱ درصد ارقامی هستند که به ترتیب برای نیروی کار و نرخ بیکاری ایران در سال ۹۰ به ثبت خواهد رسید که با تداوم آهنگ رو به رشد این شاخص‌ها در سال ۱۳۹۱، معادل ۲۸ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر و ۱۵ درصد خواهد بود. به گزارش ایستاد در حالی روند صعود نرخ بیکاری در کشور و رسیدن این



نرخ به ۱۲ درصد در سال جاری توسط واحد اکونومیست اعلام شده است که در چند روز قبل از آن، مرکز آمار ایران بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در تابستان سال ۸۶ نرخ بیکاری در کل کشور را ۹/۹ درصد اعلام کرده بود. البته آمار بیکاری اکونومیست برای کل سال ۸۶ برآورد شده و آمار مرکز آمار ایرن برای تابستان. اما با وجود اعلام بیکاری ۱۰/۵ درصدی نرخ بیکاری در بهار امسال و این که بیکاری فصلی سهم قابل ملاحظه‌ای در بیکاری کل ندارد، پیش‌بینی می‌شود طبق مرکز آمار ایران، بیکاری امسال حدود ۱۰ یا ۱۱ درصد بیشتر نشود که باز هم با پیش‌بینی اکونومیست تفاوت دارد.

در این خصوص نیز باید این مساله روشن شود که تفاوت‌های آماری مرکز آمار ایران و اکونومیست به چه دلیلی بوده است. آیا به دلیل تفاوت روش‌هاست و یا مسایل دیگری دخیل است؟ و اگر روش‌ها متفاوت است، کدام روش مناسب‌تر می‌باشد؟

آمار بیکاری و وام‌های زودبازده

وزارت کار ایران پیش از این اعلام کرده بود برای اینکه شمار بیکاران افزایش نیابد، باید سالانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار شغل ایجاد شود. محمد جهرمی وزیر کار ایران چندی پیش گفته بود که در دو سال گذشته دولت فقط توانسته نرخ بیکاری را کنترل کند تا افزایش نیابد. دولت گزارش‌های متفاوتی درباره تعداد شغل‌هایی که در این دو سال ایجاد شده منتشر کرده است، اما بالاترین آمارها نیز نشان نمی‌دهد که دولت توانسته باشد برای بیش از یک میلیون نفر شغل ایجاد کند.

مهمترین تحول دو سال گذشته اختصاص بخشی از منابع بانکی برای ایجاد شغل بوده است. بر اساس گزارش‌های وزارت کار ایران در سال گذشته ده هزار میلیارد تومان از منابع بانکی به بنگاه‌های زودبازده اختصاص داده شده و در سال جاری نیز سی هزار میلیارد تومان تسهیلات بانکی برای ایجاد شغل و راه‌اندازی بنگاه‌های تولیدی اختصاص یافته است. به عقیده کارشناسان، بخشی از آمارهای دولت نهم مربوط به طرح‌هایی است که از این وام‌ها استفاده کرده و بخش عمده‌ای از آنها هنوز به بهره‌برداری نرسیده است.

متغیرهای کنترلی

حتی با فرض این که به آمار مرکز آمار ایران ایرادی وارد نباشد، اما این آمار با متغیرهای تاثیرگذار بر بازار کار همخوانی ندارند. یکی از راه‌های تشخیص برآورد درست آماری از یک پدیده‌ی خاص، به آزمون گذاشتن برآورد انجام شده با یکسری مسایل تاثیرگذار بر آن پدیده می‌باشد. در خصوص بازار کار نیز این مساله باید بررسی شود.

در طول پنج سال برنامه سوم توسعه، به طور متوسط سالانه ۵۸۰ هزار شغل ایجاد شده و جمع کل شغل‌هایی که در طول پنج سال ایجاد شد، حدود دو میلیون و ۹۰۰ هزار شغل بوده است.

به گزارش وزارت کار ایران، تعداد شغل‌های ایجاد شده در دو سال گذشته تقریباً دو برابر شده و به طور متوسط سالانه نزدیک به یک میلیون شغل

ایجاد شده است. کارشناسان با تردید به آمارهای منتشر شده از سوی وزارت کار می‌نگرند و می‌گویند به فرض صحت این آمار، باز هم نرخ بیکاری نمی‌تواند یکباره به کمتر از ده درصد رسیده باشد. به عقیده‌ی این کارشناسان، ایران برای غلبه بر مشکل بیکاری نیازمند رشد اقتصادی بالای هفت درصد است اما در طول چند سال گذشته متوسط رشد اقتصادی در حد پنج درصد بوده است.

جمعیت ایران در ۲۸ سال گذشته

تقریباً دو برابر شده و بسیاری از کسانی که در سال‌های بعد از انقلاب متولد شده‌اند، اکنون در ردیف متقاضیان شغل قرار دارند.

علاوه بر حدود سه و نیم میلیون بیکار، هر ساله دست کم حدود هشتصد هزار نفر نیز وارد بازار کار ایران می‌شوند و کارشناسان بر این باورند که اقتصاد کنونی ایران توان کافی برای پاسخگویی به این حجم از متقاضیان کار را ندارد. بنابراین آمار اعلام شده نمی‌تواند با این واقعیات همخوانی داشته باشد.

مساله دیگر محیط کسب و کار است. باید دید آیا امسال محیط کسب و کار در ایران بهبود خاصی را داشته که این چنین آمار بیکاری کاهش یافته است؟ در خصوص محیط کسب و کار، اگر تاثیر مسایل سیاسی داخلی و بین‌المللی را نادیده بگیریم، می‌توان سیاست‌های اقتصادی دولت را در این زمینه بررسی کرد و دید که آیا این سیاست‌ها در جهت بهبود محیط کسب و کار بوده‌اند یا خیر؟

میزان مداخلات دولت در امور بنگاه‌های اقتصادی یکی از شاخص‌های موثر در عوامل محیطی کسب و کار می‌باشد.

مسعود نیلی استاد اقتصاد در این زمینه اعتقاد دارد: دخالت دولت در سه حوزه بازار سرمایه، بازار محصول و بازار کار بسیار در رفتارهای اقتصادی بنگاه‌ها موثر است. به عنوان نمونه دخالت دولت در بازار سرمایه با تعیین نرخ سود به بنگاه‌ها این علامت را می‌دهد که انرژی و پول خود را صرف تولید یا رانت‌جویی کنند.

محیط حقوقی بازار کار نیز از جمله موارد نقش‌آفرین در عوامل محیطی کسب و کار به حساب می‌آید چرا که در یک محیط غیرمنعطف از لحاظ حقوقی بازار کار، بنگاه‌ها تمایل بیشتری به استفاده از ترکیبات سرمایه‌بر، مقابل نیروبر از خود نشان

می‌دهند، چون نمی‌خواهند خود را با قوانین یک جانبه‌ی کار درگیر کنند. نگاهی به ترکیب شاغلان و بیکاران در سال‌های گذشته دقیقاً این مساله را نشان می‌دهد.

بیشترین وزن بیکاری در گروه تحصیلکردگان لیسانس و بالاتر و بالاترین وزن اشتغال در افراد دیپلم و پایین‌تر است. این در حالی است که بنابر پیش‌بینی‌های موجود، چشم‌انداز حوزه نیروی کار



ایران طی دهه آینده از رشد نرخ ورود نیروهای تحصیلکرده، جوان و زن به بازار کار خبر می‌دهد، به گونه‌ای که به عنوان مثال نسبت ورودی سالانه نیروی جویای کار زن به مرد تا سال ۱۳۹۱ به ۱/۵ می‌رسد.

او ادامه داد: در شرایطی که نرخ بهره بالا بوده و هزینه سرمایه در قیمت نهایی افزایش می‌یابد، یا دستمزدهای پایین، هزینه نیروی انسانی را کاهش می‌دهد و طبیعتاً صرفه اقتصادی با استفاده بیشتر از نیروی انسانی است یعنی کارآفرین ترجیح می‌دهد کاری را با نیروی انسانی انجام دهد تا دستگاه، بنابراین بین نرخ سرمایه و بیکاری رابطه معکوسی وجود دارد.

با وجود اینکه طی سال‌های اخیر اشتغال‌زایی به عنوان اولویت دولت مطرح بوده است، عملاً با پایین آوردن نرخ بهره و ارزان کردن سرمایه و در طرف مقابل با بالا بردن تصاعدی دستمزدها، یعنی افزایش هزینه نیروی انسانی، بنگاه‌ها را به سمت استفاده‌ی بیشتر از فناوری در مقایسه با نیروی کار سوق داده است و این در تقابل با سیاست‌های عنوان شده قرار دارد.

از این رو نمی‌توان هماهنگی میان این سیاست و آمار اعلام شده بیکاری برقرار کرد. و همین مساله، آمار اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران را با تردید مواجه می‌سازد.